



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

نشست نگاهت

نظم نوین منطقه‌ای

با سخنرانی دکتر هادی سلیمان پور



مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی

خرداد ۱۴۰۲

پیش درآمد

جهان در تجربه گذار از نظم تک قطبی به نظمی نوین، در وضعیت مبهمی قرار داشته و نظم جدید از شفافیت چندانی برخوردار نیست. در همین راستا، به نظر می‌رسد ترتیبات و کارایی عوامل قدرت در جهان یعنی اقتدار نظامی، امنیتی، نفت و انرژی، فن‌آوری، پیشرفت اقتصادی، اجماع، گفتمان‌سازی و ... نیز دچار تغییر و تحول شده است؛ به‌ویژه مسأله گفتمان که به عنوان یک عامل مهم در مناقشه جمهوری اسلامی و غرب نقش‌آفرینی می‌کند. دکتر هادی سلیمان‌پور در نشست تخصصی مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی در زمینه «نظم نوین منطقه‌ای» سخن گفتند که مجلد حاضر خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در این جلسه است.

نشست نگاشت‌های

مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی
سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

سال دوم / شماره ۴ / خرداد ۱۴۰۲

سخنران: دکتر هادی سلیمان‌پور

تدوین:

گروه مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی

نشانی: بزرگراه شهید سلیمانی، روبروی مصلی

تهران، مجتمع امام خمینی (ره)

ساختمان شماره ۱۴، طبقه دوم

تلفن ۰۲۱-۸۸۱۵۳۳۳۸

برخی از سوابق شغلی سخنران نشست

سفیر و نماینده تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در «اسپانیا» و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد «سازمان جهانی گردشگری»

مدیرمنطقه «آمریکای جنوبی»، وزارت امور خارجه
سفیر یا نمایندگی تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب آمریکای لاتین شامل آرژانتین، پاراگوئه و شیلی

مدیر اداره «سازمان ملل» (اداره اول سیاسی بین‌المللی)
وزارت امور خارجه

سفیر و معاون «نماینده دائم ایران نزد سازمان‌های تخصصی بین‌المللی»، ژنو

معاون مدیرکل «سازمان‌های تخصصی و اقتصاد بین‌المللی»، وزارت امور خارجه

مدیرکل «همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی»، وزارت امور خارجه

معاون «آفریقا»، وزارت امور خارجه

ریاست «مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی» وابسته به وزارت امور خارجه

نظم نوین منطقه‌ای

منافع راهبردی و یا هژمونی منطقه در حال تغییر است. منطقه و رویکرد جهانی با ایجاد پیمان‌نامه‌های جدید، از هژمونی علاقه به انرژی و امنیت رژیم صهیونیستی گذر کرده و اهمیت انرژی جای خود را به ارتباطات و ترانزیت و اتصالات داده است. چین نقش موازنه‌گری در منطقه را برعهده گرفته است. روسیه به آرزوی دیرینه خود برای رسیدن به دریای جنوب و حضور نظامی و امنیتی در منطقه جنوب نزدیک‌تر شده و اروپا با نگاه توسعه امنیت داخلی به منطقه غرب آسیا می‌نگرد. این‌ها مجموعه دستورکارهای جدید دول قدرتمند جهانی در منطقه است و به همین ترتیب کشورهای مهم منطقه چون عربستان، مصر و امارات و... نیز دستورکارهای جدیدی برای خود تعریف کرده‌اند.

اگر در تقسیم کار، منافع حیاتی قدرتهای جهانی یا منطقه‌ای تامین شود، جنگی رخ نمی‌دهد و توسعه در قالب نفوذ و تعامل صورت می‌گیرد؛ ولی اگر دستور کارها باعث محرومیت یک یا چند طرف گردد، بروز جنگ قطعی خواهد بود. آنچه از شواهد هویداست، شکل‌گیری نظم با تکیه بر دستورکارها، در منطقه است به گونه‌ای که قدرت‌ها برای منافع خود احساس خطر نمی‌کنند و از این رو، رویکرد کلی به سوی تعامل است. ذکر این نکته ضروری است که منظور از جنگ، متفاوت از درگیری‌ها و جنگ‌های نیابتی است.

دستورکارهای جدید منطقه در کنار ایجاد فرصت‌ها، تهدیدهای جدیدی را نیز به همراه دارد. به دلیل شکل‌گیری دستورکار جدید، تلاش‌های فراوانی برای کوچک کردن



کشورهای بزرگ اسلامی منطقه همچون سودان و سوریه وجود دارد. همچنین، امروزه برخی وابستگان غربی به موضوع تجزیه و از هم پاشیدگی جمهوری اسلامی می پردازند که نباید در دامان آن بیافتیم. فرصت های حاصله، برخی زمینه های تعامل منطقه ای و فرامنطقه ای را فراهم کرده است، که ضرورتاً همکاری نیست. همکاری در فضای لیبرالی و نولیبرالی امکان پذیر و در وضعیت آنارشیسم غیر ممکن است.

کشورهای آسیایی و حوزه کشورهای عربی و غرب آسیا به دنبال نظام دولت توسعه محورند که با نظام لیبرالی و نولیبرالیسم متفاوت است. کشورهای منطقه برای خود دستورکار نو ملی گرایمی اقتصادی را انتخاب کرده اند که با دستورکار نولیبرالیسم و نوکلاسیک متفاوت است. از نمونه های بارز تفکر نو ملی گرایمی



اقتصادی، می توان به پوتین، ترامپ در سطح بین الملل و اردوغان، سیسی، امارات، قطر، رژیم صهیونیستی و اخیراً بن سلمان در سطح منطقه ای اشاره کرد. جمهوری اسلامی نیز با طرح اقتصاد مقاومتی، راهبرد نونشنال اکونومیسم را در دستورکار قرار داده است.

ماهیت طبیعی این دستورکار و سیاست نظام دولت توسعه محور و نونشنال اکونومیسم، توجه به توسعه داخلی، رشد تولید، استانداردسازی، رشد صادرات و توجه به توسعه روابط و تعامل بر اساس فرهنگ و اقتصاد است. در این وضعیت، راهبرد ژئوپولیتیک به حاشیه رانده می شود.

اما اگر میان دو یا چند کشور در منطقه و جهان، سیاست ژئوپولیتیک حاکم شود، تعامل جای خود را به نفوذ، اختلاف مرزی، توازن قوا و نزاع های ایدئولوژیک و جنگ خواهد داد. برای نمونه می توان به جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی اشاره کرد؛ هر چند هر دو برای خود دستورکار نونشنال اکونومیسم قرار داده اند، اما در میان دو کشور

رویکرد و سیاست ژئوپولیتیک حاکم است.

بر این اساس، روابط کشورهای عربستان-ترکیه، عربستان-قطر و امارات، بر اساس ژئو کالچر و ژئواکونومسیم می‌باشد. از این رو، شاهد زمینه‌های تعامل بوده و می‌توان بستر همکاری فیما بین را فراهم کرد. تغییرات در دستورکار کشورهای منطقه باعث شکل‌گیری نظمی جدید شده است. در چنین نظمی امکان تغییر و توسعه روابط از ژئواکونومیک به ژئوکالچر فراهم‌تر است. این تغییرات می‌تواند زمینه‌های توسعه تعامل و بسترسازی همکاری‌های دو یا چند جانبه را فراهم نماید.

مدل دولت توسعه محور (Develop State Theory)، چه بر پایه ساختارگرایی یا نوساختارگرایی با نظریه همکاری‌گرایی یا لیبرالیسم متفاوت است. این مدل بیشتر غیر غربی است و منطقه شکل‌گیری و اجرای آن در جنوب شرق آسیا است. مدل دولت توسعه محور برای اولین بار در ژاپن اتفاق افتاد و پس از آن در تایوان، سنگاپور، کره جنوبی، مالزی و اندونزی دنبال شد.

دولت‌های غرب آسیا نیز در این راستا حرکت کرده و به دنبال نظام دولت توسعه محورند. این مدل در آمریکای لاتین در کشورهای آرژانتین، تاحدودی برزیل، و پرو دنبال شد، اما به نتیجه نرسید.

برخی مشخصات دولت‌های توسعه محور



۱. حوزه‌های مختلف توسعه در ۶ تا ۱۰ مورد اولویت‌بندی می‌شوند؛ تا برای توسعه از محدودیت منابع حداکثر استفاده انجام گیرد. (مثلا در تایوان حوزه نیمه‌هادی و در ژاپن کالاهای مصرفی در اولویت و هدف قرار گرفتند)

۲. تمام بخش‌ها و دستگاه‌ها برای تحقق اولویت‌ها بسیج می‌شوند.

۳. از ورود کالاهای رقیب خارجی در بازار داخلی به شدت جلوگیری می‌شود.

۴. مطالبه اصلی؛ کیفیت بالا با استانداردهای جهانی برای ورود به رقابت جهانی است، از این رو، هرگونه تولید غیر استاندارد از رده خارج می‌شود.

۵. سیستم، دارای دولتی اقتدارگراست و به رغم توجه به دموکراسی و حقوق بشر، اهمیت نخست به دولت مقتدر و متمرکز داده می‌شود.

۶. دولت پاکدست است. (در ژاپن، کمیته یا گروهی متشکل از ۳۰ تن از اندیشمندان و افراد قدرتمند بدون امکان نفوذ و لابی، مسئول نظارت بر استانداردهای تولیدات و جلوگیری از فساد است)

۷. قیمت‌ها صرفاً بر اساس تمایل بازار تعیین نمی‌شود. تولیدات با حمایت دولت و نرخ حمایتی برای تولید کننده و مصرف کننده وارد بازار داخلی می‌شود. (بر خلاف دیدگاه لیبرالیست‌ها و دولت‌مردان قبلی که معتقد بودند باید قیمت را به بازار سپرد و هیچ مسئولیتی در قبال مصرف کننده بر عهده نمی‌گرفتند)

روابط خارجی جمهوری اسلامی با مناطق مختلف

منطقه عربی: جمهوری اسلامی در این منطقه به طور سنتی از سوی کشورهای عربی با سیاست ژئوپولیتیک مواجه است. تا زمانی که این رویکرد بر روابط فیما بین حاکم باشد، امکان تعامل وجود ندارد. جمهوری اسلامی باید دستورکار و چارچوب متن سیاست خود را با کشورهای عربی به ژئواکونومیک و ژئوکالچر تغییر دهد. این منطقه دو زیرمجموعه دارد:

الف: عراق و شامات: جمهوری اسلامی توانسته است در عراق و شامات روابط خود را از





ژئوپولیتیک به ژئوآکونومیک تغییر دهد. از این نکته غافل نباشیم که تاریخ ایران گواه تلاش نظام‌های حاکم برای توسعه گستره تمدنی در دوره‌های مختلف بوده است و این سیاست همچنان در طبیعت سیاست مسئولان ایرانی وجود دارد.

ب: شبه جزیره: هر چند همچنان سیطره نگاه و سیاست ژئوپولیتیک بر روابط فیما بین حاکم است، اما نشانه‌هایی از تغییر مسیر به سوی ژئوآکونومیک، به ویژه با تغییرات حاصله در دستورکار کشورهای عربی، دیده می‌شود.

منطقه شمال و شرق: از حدود ۴۰۰ سال پیش رابطه ایران با این مناطق عموماً ژئوکالچر و ژئوآکونومیک بوده است. گرچه تحرکاتی از جهات مختلف تلاش دارد تا این روابط را در قفقاز و افغانستان به ژئوپولیتیک تغییر دهد. منطقه شمال و شرق دارای سه زیرمجموعه است:

الف: منطقه قفقاز: این منطقه در گذشته تحت نفوذ و حوزه اختصاصی روسیه بود. این کشور تلاش می‌کرد تا با توازن قوا و حضور سنگین در سیاست داخلی و خارجی ارمنستان، قدرت خود را در منطقه به نمایش بگذارد. هم‌اکنون این نظم تغییر یافته و به نظر می‌رسد در عین فراهم‌تر شدن فرصت فعالیت و حضور، تهدیدهایی را نیز به همراه دارد.

ب: آسیای میانه: مهم‌ترین منطقه ژئوکالچر ایران محسوب می‌شود. ایران یعنی فارس، ازبک، تاجیک، پشتون و ... با چنین برداشت و تفکری، ایران می‌تواند قلب منطقه باشد.



گذشتگان با این تفکر توانستند زبان فارسی را به یک زبان فاخر منطقه‌ای تبدیل کنند. باید درک و شناخت درستی از اقوام منطقه داشت و به ملاحظات آنان حساس بود.

ج: شبه قاره شامل هند، پاکستان و افغانستان: روابط ایران با این کشورها مسائل و چالش‌های خاص خود را دارد.

پیمان صلح ابراهیم و راهبرد جمهوری اسلامی

راهبردی ترین روش برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه آسیا، تخلیه پیمان صلح ابراهیم و کنترل و به شکست کشاندن آن است. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که وضعیت داخلی سرزمین‌های اشغالی، امکان تشکیل دولتی طرفدار ارزش‌های غربی و دموکراتیک را در این کشور غیر ممکن ساخته است. جمهوری اسلامی در صورت برقراری ارتباطات مناسب با کشورهای عربی منطقه، به ویژه عربستان، امارات و قطر قادر خواهد بود تا مانع پیشرفت طرح پیمان ابراهیم شود. این طرح خارج از منطقه نیز از وضعیتی پروکسیکال برخوردار است. برخلاف جمهوری خواهان در آمریکا، دموکرات‌ها طرفدار و پیگیر این طرح نیستند. چین و روسیه نیز علاقه‌ای به آن ندارند. باید تلاش کنیم در گفتگوهای ادیان به این وضعیت و صحنه وارد نشویم و از هم اکنون جلوی آن را بگیریم.

در اجرای توافقات و تفاهم‌ها با کشورهای همسایه، سرعت بسیار حائز اهمیت است. متأسفانه جمهوری اسلامی همچنان نسبت به همسایگان و جریان‌های حاکم و افکار آنها آگاهی و شناخت لازم را ندارد. گفتگوها مستقیم نیست و شناخت درستی از طرف مقابل وجود ندارد. شناخت و گفتگوها باید دست اول باشد. ضروری است تا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با سازمان رقیب خود در عربستان گفتگوی مستقیم داشته باشد، زیرا شناخت و گفتگو قدرت تاثیرگذاری را به بار می‌نشانند.

جمهوری اسلامی هنگامی قادر به بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و دگرگونی نظم جهانی است که درک و شناخت درست‌تر و عمیق‌تری از کشورهای همسایه، اقشار و گروه‌های اجتماعی و قومی منطقه داشته باشد. اما اکنون این آشنایی در سطح مطلوب وجود ندارد و این عدم آشنایی موجب عدم تفاهم و عدم تعامل می‌شود.





امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛
یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا. در
مقابل نظم دوقطبی‌ای که بیست و چند سال پیش بود - آمریکا و
شوروی؛ غرب و شرق - و در مقابل نظم تک‌قطبی‌ای که بوش پدر بیست و چند سال
پیش اعلام کرد. بعد از خراب شدن دیوار برلین و از بین رفتن دستگاہ مارکسیستی دنیا و
حکومت‌های سوسیالیستی، بوش گفت امروز دنیا، دنیای نظم نوین جهانی، نظم تک‌قطبی آمریکا است؛
یعنی آمریکا در رأس دنیا قرار دارد. او البته اشتباه می‌کرد؛ بد فهمیده بود. از همان بیست سال قبل،
بیست و چند سال قبل تا امروز روزه‌روز آمریکا ضعیف‌تر شده؛ هم در درون خودش و در
سیاست‌های داخلی‌اش، هم در سیاست‌های خارجی‌اش، هم در اقتصادش،
هم در امنیتش، در همه چیزها آمریکا از بیست سال پیش تا امروز
ضعیف‌تر شده، لکن به هر حال امروز دنیا در آستانه یک
نظم جدید است.

۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

بیانات در دیدار

جمعی از دانشجویان